

کسانی که بامداد روز ۲۸ ژانویه سال ۱۹۷۴ مطابق با ۸ بهمن سال ۱۳۵۲ روزنامه لبنانی (المحرر) را از روزنامه فروشی‌های بیروت انتیاع کردند، با مشاهده عنوان اصلی آن در اعماق اندیشه فرو رفته‌اند. در بالای صفحه اول با حروفی درشت چندین نوشته شده بود، صدر بر روی حکومت ایران اتش گشوده است! در زیر عنوان اتشین مذیور از قول امام موسی صدر تصریح شده بود، روحانیت ایران در راس مبارزه علیه ظلم، جور، استبداد و تجاوز حکومت شاه قرار دارد. آنچه در پی می‌آید، متن کامل گفتگو اختصاصی روزنامه المحرر لبنان با امام صدر است که پنج سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته و هم اینک پس از ۲۶ سال به فارسی ترجمه و در این مادمان می‌آید. این گفتگو سند قاطع دیگری است بر این حقیقت که مراتب همدلی و همراهی رسمی و علنی امام صدر با امام راحل، جامعه روحانیت مبارز ایران و مردم خوب کشورمان در مبارزه علیه رژیم شاه، از سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب وجود داشته است. گفتگوی مذیور همچنین سندی تاریخی است که بیان می‌دارد این امام صدر بود که برای اولین بار، در شرایطی که امام خمینی در داخل و خارج از ایران، حتی از سوی نزدیکترین فاران خود همچنان ایتالله با اقا خوانده می‌شدند، آن بزرگوار را در سطح مهمترین مطبوعات جهان عرب رسماً امام نامید و بالاخره آنچه گفتگوی باد شده را به رغم گذشت سی و سه سال همچنان مهم، با طراوت و صد البته بحث برانگیز نگه داشته است، تاکیدات طریف و ماهرانه امام صدر بر چهار نکته حیاتی زیر است، ضرورت ایجاد اتحاد، انسجام و همکاری میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس، مراتب همدلی و همبستگی مردم ایران با جهان عرب، ضرورت وفاداری شیعیان جهان عرب بهعرویت و اوطن خود و نهایتاً ضرورت قرار گرفتن شیعیان در طبیعته نبرد جهان اسلام علیه اسرائیل.

محسن کمالیان

«جهان عرب و مبارزه روحانیت با شاه»
در گفتگوی منتشر نشده‌ای با امام موسی صدر

روحانیت در پی اصلاح سیاسی و اجتماعی است



در خبرها خواندیم که برخی از روزنامه‌های ایران، در اعتراض به مواضع شما در باره مسئله «خلیج فارس»، حملات شدیدی را علیه شما آغاز کرده‌اند. واقعیت قضیه چیست؟ قصه از زمانی شروع شد که استاد «جالال کشک»، در باره موضوعات دین، مذهب و روابط عربی - ایرانی با من مصاحبه‌ای کرد که در شماره ویژه عید فطر مجله «الحوادث» به چاپ رسید. در آن مصاحبه راجع به شیعیان کشورهای حاشیه خلیج فارس، گرایشات، تابعیت و مواضع آنها نیز صحبت کردیم؛ چرا که من سال گذشته به آن منطقه سفر و با شیعیان آنجا دیدار کرده بودم. آن روز در پاسخ به یکی از سوال‌ها تصریح کردم که «شیعیان آن کشورها، عیناً همان حکم شیعیان دیگر کشورها را دارند؛ یعنی به وطن خود علاقمند و وفادار هستند، بر «عرویت» خود تأکید دارند، از تمامیت کشور خود دفاع و در راه سریلاندی و سازندگی آن تلاش می‌کنند». به نظر می‌رسد که این جمله، برای برخی مسئولین «اطلاعات» ایران در لبنان ناخوشایند بود. آنها سخن من را مخدوش و از طریق مطبوعات ایران حمله متمرکزی را آغاز کردند. نوع مطالب و تعابیر مطبوعات یکی بود. همین امر نشان می‌داد که منبع خبر یکی است و اخبار توسط «اطلاعات» در

اختیار مطبوعات قرار گرفته است. آنها مرا متهم کردند که تعصب عربی دارم و علیه منافع ایران در خلیج فارس اقدام کرده‌ام. زمانی نیز که دبیر کل مجلس اعلای اسلامی شیعه یادداشتی را جهت توضیح و اعتراض برای حکومت ایران ارسال کرد، مطبوعات را از چاپ آن منع کردند ... البته به این حد نیز اکتفا نکردند. نامه‌ای را جعل، به من منسوب و در روزنامه‌ها منتشر کردند که طی آن چنین وانمود شده بود که گویا من دیدگاه رهبری فعلی ایران در باره بحران خاورمیانه و نیز خطمشی آن در قبال مسئله خلیج فارس را صحیح و منطقی می‌دانم! این در حالی است که من هرگز چنین مطالبی را نگفته‌ام و هرگز نیز نخواهم گفت.

بیهوده تلاش کردیم تا مسئله را روشن سازیم؛ اما فایده نداشت. به یاد موارد مشابهی افتادم که در گذشته مکرراً اتفاق افتاد؛ از جمله وقتی سفرای کشورهای عربی و اسلامی در هنگامه جنگ اکبر به یکی از مساجد تهران آمدند که جمعیت کثیری از مردم ایران در آن اجتماع کرده بودند؛ همان مردمی که با همه احساس خود مشکلات جهان عرب را دنبال می‌کنند و برای آن دل می‌سوزانند. البته همه ملت ایران چنین هستند. در خلال این جلسه که ساعتها به طول انجامید، برخی از علمای بزرگ سخن گفتند؛ آنها مواضع اعراب در جنگ را مورد تأیید قرار دادند، رزم‌نگران را دعا و آمادگی ملت ایران را برای حمایت و پشتیبانی از آنان اعلام کردند. جلسه‌ای بسیار باشکوه، تاریخی و در نوع خود بی‌نظیر بود. گویی ملت ایران در یک همه‌پرسی عمومی، حمایت خود را از اعراب در بحران خاورمیانه اعلام کرده بود. اما روز بعد، همه، از جمله ۱۸ سفیر کشورهای عربی، با دیدن روزنامه‌ها جا خوردن؛ روزنامه‌های ایران نوشته بودند: جلسه مزبور بدین جهت برپا شده است تا برای سلامتی شاه



که اخیراً از یک سؤال‌قصد جان سالم به در برده است، دعا کنند! یادآوری این واقعه و نیز وقایع مشابه دیگر، مرا متقاعد ساخت که در مطبوعات ایران، اصلاح خبر و روشنگری حقیقت، اساساً امری غیرممکن است. البته در همین جا فرصت را مغتنم می‌شمارم و از طریق صفحات روزنامه شما، «المحرر»، با صراحة اعلام می‌دارم که خبر منتشر شده، کذب محض است و به هیچ وجه صحت ندارد.

حالا که سخن در باره خلیج فارس است، با توجه به اینکه شما مدتی قبل بدان منطقه سفر کردید و با شهروندان آن نیز روابط گسترده‌ای دارید، اجازه دهید سوال دیگری را نیز در این باره مطرح کنیم. در مورد نهضت‌های دینی موجود در منطقه که برای حل مشکلات سیاسی آن و نیز رفع تهدیدات حکومت ایران تلاش می‌کنند، چه نظری دارید؟

حقیقت آن است که ثروت‌های نهفته در خلیج فارس، موقعیت جغرافیائی آن و نیز تأثیرات مهمی که بر منطقه خاورمیانه و معادلات حاکم بر آن دارد، مطامع قدرت‌های بزرگ داخل و خارج از منطقه را حسابی برانگیخته است. این مطامع که به ظاهر ماهیت اقتصادی دارند، خیلی سریع ابعاد گوناگون سیاسی و نظامی می‌یابند. از طرفی ضعف منطقه، به توسعه مطامع یاد شده کمک می‌کند و همچنین حجم اختلافات داخلی را افزایش می‌دهد؛ به همین جهت، هرگونه حرکت اصلاحی و خیرخواهانه‌ای، چه دینی باشد و چه غیردینی، بایستی قبل از هر چیز تقویت پیوندهای برادرانه میان فرزندان خلیج فارس را سرلوحه کار خود قرار دهد تا بتواند زمینه‌های ایجاد نوعی وحدت، انسجام و همکاری را میان کشورهای خلیج فارس فراهم آورد؛ منظورم همه کشورهای منطقه خلیج فارس است. طبیعتاً بالا بردن سطح زندگی شهروندان، آگاه ساختن آنها به مصالح کشورشان و نیز ترویج و تقویت ارزش‌های اصیل در منطقه، از دیگر گام‌های اساسی و لازم برای تأمین سلامت و امنیت این منطقه عزیز

هستند که هرگز نباید دست کم شمرده شود؛ زیرا این منطقه امانتی از جانب خداست؛ سند قدرت و پشتونه امت ماست و قطعاً موجبات سریلاندی و بهروزی آن را در میان سایر ملت‌ها فراهم خواهد کرد.

برخی مطبوعات مدعی شدند که ایران در جریان جنگ اکبر، کمک‌هایی را برای اعراب ارسال کرده است. آیا اطلاعات قابل اعتمادی وجود دارد که این مسئله را تأیید و یا تکذیب کند؟ اصولاً از ایران به عنوان یک کشور اسلامی چه انتظاری می‌رود؟ من هم در روزنامه‌ها خواندم که حکومت ایران برخی کمک‌های پزشکی و اجتماعی را برای کشورهای اردن، سوریه و مصر ارسال کرده است. اما حقیقت آن است که با حجم انتظارات از ایران سازگار باشد. برای اینکه ایران یک کشور بزرگ اسلامی است؛ برای اینکه ایران آن طور که اسناد نشان می‌دهد، خود در معرض مطامع و تهدیدات آینده اسرائیل قرار دارد. برای اینکه همه ملت ایران برای قداست فلسطین و جایگاه قدس اهمیت فوق العاده‌ای قائل است. برای اینکه این ملت با همه ظرفیت و امکاناتش آماده است تا برای یاری اعراب وارد عمل شود. مجموعه این مسائل بر حاکمان ایران واجب می‌سازد که لااقل صدور نفت به



مبارزات ضد استبدادی و مشروطه‌خواهی در ایران با رهبری عالمان دین بود که صورت گرفت. رهبری این مبارزات با مرجع اعلیٰ مرحوم آخوند خراسانی بود که در کشاکش این مبارزات به شکلی ناگهانی و مشکوک در گذشت و مدفنش، هم‌اکنون در نجف اشرف است. مبارزات عالم بزرگوار مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین علیه است عمران فرانسه رانیز هرگز نمی‌توانیم فراموش کنیم



بود که در کشاکش این مبارزات به شکلی ناگهانی و مشکوک درگذشت و مدفنش، هم‌اکنون در نجف اشرف است. مبارزات عالم بزرگوار مرحوم سید عبدالحسین شرف‌الدین علیه استعمار فرانسه را نیز هرگز نمی‌توانیم فراموش کنیم.

در باره موضع روحانیت ایران در برابر حکومت فعلی چه نظری دارید؟ روحانیت ایران مدت بسیار مديدة است که از همراهی و تأیید حاکمان خودداری می‌ورزد. آنها بدین اصل پایبندند که «اگر عالمان دین را در دربار حاکمان یافتبند، بدانند که بد عالمان و بد حاکمانی دارید و اگر حاکمان را در درگاه منازل عالمان یافتبند، بدانند که خوب عالمان و خوب حاکمانی دارید». روحانیت ایران نفوذ زیادی در میان مردم دارد و تا آنجایی که در توانش هست با ظلم، جور، استبداد و تجاوز حاکمان مبارزه می‌کند. در همین سال‌های اخیر، قاطبه علمای ایران و در رأس آنها امام خمینی، مبارزات شدیدی را برای اصلاح اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور برپا کردند؛ بسیاری از آنها به زندان افتادند و امام خمینی نیز به نجف اشرف در عراق تبعید گردید.

زندگی کنند؛ طبیعتاً امید به بهتر شدن شرایط زندگی و حفظ حقوق و کرامت آنها نیز به این وضع کمک کرده است. با این همه من یقین دارم که فاجعه فلسطین، انعکاس آن بر کل جهان اسلام و خصوصاً بر شیعیان و نیز وجود پاره‌ای دیگر از نابسامانی‌های مهم محلی و منطقه‌ای، سرانجام فرزندان این طائفه را بر آن خواهد داشت تا انشاء الله در پیش‌پیش مبارزان راه حق، شرف و عدالت قرار گیرند.

البته این نکته تاریخی را
هم اضافه کنم. بر اساس
مطالعاتی که انجام داده‌ام،
نه در لبنان و نه در دیگر
نقاط جهان عرب، هیچ

مبارزه‌ای را در سطح ملی علیه استعمار و استبداد نمی‌یابید، مگر آنکه شیعیان در صف مقدم مبارزان حضور داشته‌اند. به طور مثال، نهضت رهایی بخش عراق از دست استعمار انگلیس، توسط مراجع بزرگ دینی شیعه از جمله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ محمد تقی شیرازی رهبری شد. یا عالم بزرگوار مرحوم سید محمد صدر که خود شخصاً در نبردها شرکت جست. همچنین مبارزات ضد استبدادی و مشروطه‌خواهی در ایران با رهبری عالمان دین بود که صورت گرفت. رهبری این مبارزات با مرجع اعلیٰ مرحوم آخوند خراسانی

الاصمام الصدریش اول هجوم علی الحکم الازران

رسالة رئيسية تجاه الدول العربية واستدانته في الداخل

احبتعن التوف الابريئين خلال حرب تشربيه
واعلنوا تأييدهم للعرب
تسكن الصحف الابرية كذا
ان الاجتماع عملياً قد مه المنشاء

١٦- ملخص عن المفاهيم الرئيسية التي تهمّ في دراسة الاتصالات
١٧- ملخص عن المفاهيم الرئيسية التي تهمّ في دراسة الاتصالات
١٨- ملخص عن المفاهيم الرئيسية التي تهمّ في دراسة الاتصالات
١٩- ملخص عن المفاهيم الرئيسية التي تهمّ في دراسة الاتصالات
٢٠- ملخص عن المفاهيم الرئيسية التي تهمّ في دراسة الاتصالات

لهم اجعلنا من المقربين **اللهم اجعلنا من المقربين** **اللهم اجعلنا من المقربين** **اللهم اجعلنا من المقربين**

خود اعراب، اگر نگوییم بیشتر، روی این مسائل حساسیت دارد. اما این حساسیت‌ها بر موضع حکومت تأثیری نداشته است. طبیعتاً این بدان معنی نیست که تلاش بیشتر برای جذب ایران فائده‌ای نخواهد داشت؛ هر چند با ادامه حکومت فعلی و تداوم سلطه دستگاه‌های صاحب نفوذ موجود، امید زیادی باقی نمانده است.

گفته شده که حکومت ایران کمک‌های فراوانی را در اختیار مؤسسات شیعی لبنان قرار داده است. آیا این مسئله صحت دارد؟

تا آنجایی که من خبر دارم، چنین
کمک‌هایی تا کنون انجام نشده است.
یعنی به جز کمک‌هایی بسیار جزئی
که قریب ده سال پیش یا حتی بیشتر
از آن، برای احداث یک یا دو مسجد
صورت گرفت، کمک دیگری در کار
نبوده است.

در تاریخ شیعه با مواردی برخورد می‌کنیم که شیعیان قهرمانانه در مقابل ظلم و جور ایستادگی و حماسه‌های پرشوری از مقاومت و شهادت را خلق کردند. آیا تصور می‌کنید که شیعیان امروز، هنوز می‌توانند چنین نقش‌هایی را ایفا کنند؟

قطع‌آمیزی را یاد نمایند! و چرا نه؟ آموزه‌های مذهبی،
میراث تاریخی، اهمیت جهاد و اجتهاد
از یک سو و جایگاه عدالت و ولایت
از سوی دیگر، همه و همه مشوق
فرزندان این طائفه‌اند تا باز هم چنین
صحنه‌هایی را خلق کنند. البته شکی
نیست که دوران طولانی ظلم و ستم،
بسیاری از آنان را رنجور، ناتوان و
ناچار ساخته است تا مدتی را آرام

اسرائیل را قطع و روابط اقتصادی خود با آن را متوقف کند. البته مطلوب‌تر آن است که ایران با همه توان نظامی، با بسیج ظرفیت و نفوذ سیاسی و نیز با به کارگیری امکانات تبلیغی و رسانه‌ای خود، اعراب را در جنگ با اسرائیل یاری دهد. برای اینکه جنگی که امروز ملت عرب در آن درگیر است، نبردی سرنوشت‌ساز است که نتایج آن، خواه ناخواه ایران را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

آیا هیچ تلاش کرده‌اید تا حکومت ایران را به در پیش گرفتن یک سیاست طرفدار اعراب ترغیب کنید؟ بله؛ تلاش‌های فراوانی در این جهت به عمل آوردم، اما متأسفانه دستگاه‌های امنیتی ایران مانع از آن شدند تا این تلاش‌ها به ثمر برسد. شما شاید تا حدودی اطلاع داشته باشید که این دستگاه‌ها چه اندازه بر دوایر حکومتی، نهادها و سازمان‌های رسمی ایران نفوذ دارند. اینها هستند که نمی‌گذارند، مواضع ملت ایران، روابط برادرانه آنها با اعراب، آمادگی آنها برای حمایت و پشتیبانی از اعراب و نیز فداکاری در این راه، حتی در رسانه‌ها انعکاس پیدا کند.

با وجود این، آیا احتمال می‌دهید که حکومت ایران بتواند در آینده، موضوع مثبتی در قبال مسائل برق عربی اتخاذ کند؟

روحانیت ایران نفوذ زیادی در میان مردم دارد و تا آنجایی که در توانش هست با ظلم، جور، استبداد و تجاوز حاکمان مبارزه می‌کند. در همین سال‌های اخیر، قاطبه علمای ایران و در رأس آنها امام خمینی، مبارزات شدیدی را برای اصلاح اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور برپا کردند؛ بسیاری از آنها به زندان افتادند و امام خمینی نیز به نجف اشرف در عراق تبعید گردید.